

جهانی شدن غربی و حکومت جهانی اسلام

مرتضی شیرودی*

چکیده

به رغم گذشت بیش از یک دهه از زایش و رویش جهانی شدن (Globalization) یا در واقع، پروژه جهانی سازی (Globalism)، هنوز این پدیده در هاله‌ای از ابهام و تردید قرار دارد. این ابهام‌ها و تردیدها، پرسش‌هایی را برمی‌انگیزد؛ از جمله، جهانی شدن یا جهانی سازی به چه معنا است؟ و تاریخ پیدایی اصطلاح جهانی شدن یا جهانی سازی و سابقه رویکرد به آن کدام است؟ آیا در اسلام میل به جهانی شدن وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا جهانی شدن اسلامی قابل اثبات است؟ مبانی، ویژگی‌ها، ساختار و ابزارهای جهانی شدن اسلامی چیست؟ البته به بخشی از این پرسش‌ها، پاسخ‌هایی کم و بیش داده شده است؛ اما به علت تنوع و تعدد این پاسخ‌ها، ابهام‌ها و اشکالات جدیدی مطرح شده‌اند؛ بنابراین، هر تلاشی در این باره، برای ارائه یک نتیجه فاصله‌گیری روشن می‌تواند به رفع ابهام‌های پیشین مدد رساند؛ هدفی که این مقاله در پی آن است.

برای دستیابی به پاسخ اقناع‌کننده در باره هر یک از پرسش‌ها و ابهام‌های پیش گفته، فرضیات و حدسیات ذیل قابل طرح است:

* عضو هیأت علمی پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری در پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

۱. خاستگاه و زادگاه واژه جهانی شدن در غرب است؛ ولی مهم‌ترین زادگاه پدیده و نه واژه جهانی شدن، در اسلام است؛
 ۲. فقط اسلام، توانایی، ویژگی، ساختار و ابزارهای لازم برای جهانی شدن را دارد. برای تعیین درستی یا نادرستی فرضیات و حدسیات مذکور، مطالب و مباحث ذیل در این مقاله بررسی می‌شود:
 - أ. تعریف جهانی شدن و تبیین تاریخ و سابقه آن؛
 - ب. اسلام و دیدگاه و نظریه آن در باره جهانی شدن و تشریح قابلیت‌ها، ساختارها و ویژگی‌های جهانی شدن اسلامی.
- واژگان کلیدی:** اسلام، موعود، جهانی شدن، جهانی سازی، قرآن، حدیث، امریکا، غرب، امام زمان علیه السلام.

مقدمه

جهانی سازی، معنا و تاریخچه دارد. درک معنا بدون درک تاریخچه به درستی صورت نمی‌گیرد به این معنا که اگر تاریخچه جهانی سازی را به گذشته‌های دور ببریم، آن گاه جهانی سازی با مفهوم امروزمین فاصله می‌گیرد.

تعریف جهانی شدن: به رغم متداول بودن اصطلاح جهانی شدن یا جهانی سازی، هنوز تعریف جامع و مانعی از آن ارائه نشده است؛ زیرا:

۱. دقیقاً زوایا و ابعاد جهانی شدن، محسوس و روشن نیست؛ حتی برای آنانی که در فرآیند جهانی شدن قرار دارند.
۲. اصطلاح جهانی شدن مفهوم جدیدی است و عمری کم‌تر از دو دهه دارد؛ بنابراین، هنوز تحقق نیافته و همچنان دستخوش تحول است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ص ۱۵).

با این وصف، کوشش‌هایی برای ارائه تعاریفی از جهانی شدن، هر چند ناقص، ناقص، مبهم و مشکوک؛ صورت گرفته است؛ از جمله:

- جهانی شدن یعنی یکسان شدن یا مشابه کردن دنیا. این حادثه از راه‌های گوناگونی چون توسعه ماهواره‌ها، گسترش رایانه‌ها، افزایش رسانه‌ها، و به ویژه ازدیاد کانال‌های تلویزیونی صورت می‌گیرد (پهلوان، ۱۳۷۵: ص ۵۳).

- جهانی شدن، پدیده‌ای چند بعدی است؛ از این رو، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... را در برمی‌گیرد، و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین رفته یا کمرنگ می‌شود. کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند، و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی بر کشورها حاکم می‌شود (سلیمان، ۱۳۸۰: ص ۲۰).

- جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و... که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می‌رود؛ البته، اگر چه جهانی شدن، روند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و... است، بیش از همه، روندی اقتصادی به شمار می‌رود (سیورانت و فریدمن، ۱۳۸۰: ص ۸)؛ اما اگر به ماهیت نه به صورت جهانی شدن توجه کنیم؛ می‌توانیم جهانی شدن را به صورت‌های ذیل تعریف کنیم:

- گسترش فرهنگ اروپایی از طریق مهاجرت، استعمار و تقلید فرهنگی به سراسر کره زمین (سلیمان‌زاده، ۱۳۸۰: ص ۲۴).

- تداوم حرکت سرمایه‌داری که پس از پایان جنگ سرد رؤیای تسلط بر عالم را در سر می‌پروراند (اسکلد، ۱۳۸۰: ص ۸).

- تلاش برای گسترش جهانی الگوهای امریکا. همین نکته، نگرانی و ترس برخی از کشورهای اروپایی را برانگیخته است (اثنا‌عشری، ۱۳۸۰: ص ۱۶).

- تصویری ترسناک از بازار عنان‌گسیخته و پایان‌نوسازی به سبک ملی و دینی که نزدیک است تمام شالوده‌های سیاسی و اجتماعی ملت‌ها و دولت‌ها را از هم بگسلد (پولادی، ۱۳۸۰: ص ۶).

- دخالت در امور داخلی دولت‌های جهان سوم و کنار گذاشتن هر گونه قانونی که مانع از تجارت آزاد از سوی شرکت‌های چند ملیتی است، بدون آن که ثبات اجتماعی و حاکمیت این دولت‌ها را در نظر بگیرد (حسینی، ۱۳۸۰: ص ۵۲).

نگارنده اعتقاد دارد که جهانی سازی، گویای طرح پیچیده برای استعمار است. حسین بشیریه در این باره، از عبارت فرایندهای جهانی‌شدن استفاده می‌کند که قرین دهکده الکترونیک جهانی، پیدایی قبیله جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشرده‌گی زمان و مکان و گسترش جهانی، و آگاهی است. پیروز مجتهد زاده، واژه جهانی‌شدن‌ها را به کار می‌برد که بار عظیمی از امریکایی شدن را در بر دارد، و همان جهانی‌سازی به دست صاحبان صنعت

و سرمایه است و امریکا سکوی اصلی پرتاب موشک جهانی شدن فرض می‌شود و در پرتو جهانی شدن‌ها، جهانیان به فرهنگ، مفاهیم، زبان و اخلاق یا بی‌اخلاقی امریکایی تن می‌دهند (نصیری، ۱۳۸۰: ص ۲۸۵).

فرایند جهانی شدن را به طور معمول در چهار حوزه فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مطالعه می‌کنند. در حوزه فنی و تکنولوژیک از وقوع انقلاب صنعتی سوم سخن می‌رود. انقلاب صنعتی اول در قرن هجدهم میلادی تحوّل در تکنولوژی تولید بود. انقلاب صنعتی دوم در نیمه دوم قرن نوزدهم رخ داد و تحوّل در تکنولوژی توزیع و ارتباط پدید آورد. انقلاب صنعتی سوم در پایان قرن بیستم، دگرگونی‌هایی اساسی در حوزه ارتباط، مصرف و اطلاعات به همراه آورده است. در حوزه اقتصاد، به پیروی از تحولات فنی مذکور، تغییرات بی‌سابقه‌ای رخ نموده است.

در جهانی شدن اقتصاد، کنترل دولت ملی بر اقتصاد ملی به نحو فزاینده‌ای از دست می‌رود و عناصر اصلی سیاست‌های اقتصادی و مالی ملی، جهانی می‌شوند. از لحاظ سیاسی با ظهور و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی جهانی چون بانک جهانی، دگرگونی‌های چشمگیری در حوزه محدود شدن قدرت و حاکمیت دولت‌های ملی رخ می‌نماید. به طور کلی در فرایند جهانی شدن، ویژگی‌های اصلی دولت ملی همانند اهمیت و نقش مرزها در حال زوال قرار می‌گیرد. در سطح فرهنگ باید از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن گفت. جنبش‌های فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی جزئی از این جامعه هستند و به مسائل و موضوعاتی چون رعایت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی از جانب دولت‌های ملی نظر دارند که از حدود توانایی و دید دولت‌های ملی بسی فراتر می‌روند (نش، ۱۳۸۰: ص ۱۱).

سابقه جهانی شدن: در بحث مربوط به تاریخچه جهانی‌سازی، با دو پرسش عمده روبه‌رو هستیم: ۱. تاریخچه اصطلاح جهانی شدن، و ۲. تاریخچه گرایش و رویکرد به جهانی شدن، به چه زمانی برمی‌گردد.

۱. **سابقه اصطلاح جهانی شدن:** زمان چندانی از کاربرد واژه جهانی شدن نمی‌گذرد؛ چون قدمت این واژه، به سال‌های آخر دهه ۵۰ و سال‌های نخست دهه ۶۰ میلادی می‌رسد. در ۱۳۲۸ / ۱۹۵۹ مجله آکونومیست از کلمه سهمیه جهانی (globalized queta)

استفاده کرد. در ۱۳۴۰ / ۱۹۶۱ فرهنگ «وِیستر» نخستین فرهنگ معتبری بود که تعاریفی درباره دو اصطلاح globalization, globalism ارائه داد. یک سال بعد، نشریه «spectator» مفهوم جهانی را گیج‌کننده وصف کرد. در ۱۳۴۴ / ۱۹۶۵ مارشال مک‌لوهان، نام دهکده جهانی را بر کتاب جنگ و صلح در دهکده جهانی خود نهاد (واترز، ۱۳۷۹: ص ۱۰).

برخی اصطلاح دهکده جهانی را سرآغازی بر شکل‌گیری اصطلاح جهانی شدن می‌دانند. با این وصف، کاربرد واژه جهانی شدن یا مشتقات آن، تا دهه آخر قرن بیستم محدود باقی ماند؛ از این رو، جای شگفتی نیست که تا سال ۱۳۷۳ / ۱۹۹۴ فهرست کتاب‌های موجود در کنگره امریکا که از واژه جهانی یا جهانی شدن استفاده کرده باشد، به ۳۴ عنوان محدود شود؛ در حالی که این عناوین در ۱۳۷۷ش/۱۹۹۸م به بیش از ۲۰۰ عنوان و در ۱۳۷۸ / ۱۹۹۹ به بیش از ۴۰۰ عنوان رسید. این رشد، گویای پذیرش یا مورد توجه قرار گرفتن پدیده و اصطلاح جهانی شدن به وسیله نویسندگان و محققان در سال‌های پایانی قرن بیستم است؛ بنابراین می‌توان گفت: از ویژگی‌های سال‌های پایانی قرن بیستم، کاربرد فراگیر واژه جهانی شدن است (پیشگاهی فرد، همان: ص ۲۰).

نتیجه این که به عقیده نگارنده، جهانی شدن، تداوم حرکت نظام سرمایه‌داری و کاپیتالیستی غرب است که پس از پایان جنگ سرد، از لاک دفاعی بیرون آمده، و رؤیای تسلط بر عالم را در سر می‌پروراند؛ به همین دلیل، با پایان جنگ سرد که با فروپاشی بلوک شرق همراه بود، سیاست و راهبرد جدیدی به نام نظم نو جهانی از سوی امریکا مطرح شد. این پدیده که با دگرگونی‌های بزرگ در فن‌آوری جدید اینترنت همراه است، به مقدمه‌ای برای جهانی‌سازی تبدیل شد (قره‌باغیان، ۱۳۸۰: ص ۹).

۲. تاریخ گرایش به جهانی شدن: بر خلاف تازگی اصطلاح جهانی شدن، میل به آن، چه در نظر، و چه در عمل، سابقه‌ای به قدمت بشر دارد. گرایش به جهانی شدن، نخست در ادیان الهی بروز کرد؛ به گونه‌ای که ادیان بزرگ الهی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام، سودای جهانی‌سازی داشته‌اند، و اکنون نیز هر یک از آن‌ها، در صدند امتی یگانه و حکومتی واحده و جهانی پدید آورند، و البته در این راه، جهانی‌سازی اسلامی، برترین و کامل‌ترین شکل جهانی‌سازی دینی را مطرح کرده است (ان الارض یرثها عبادی الصالحون). مخاطبان در جهانی‌سازی اسلامی، نه عرب، نه عجم، نه مکی، نه مدنی و نه

حتی مسلمانان، بلکه کافه ناس و تمام مردمانند، و معنویت (خدا) و عقلانیت (انسان) دو عنصر اساسی آن به شمار می‌روند. در کنار ادیان الهی، تمدن‌ها، کشورها، و انسان‌هایی نیز بوده‌اند که بر اساس اندیشه‌های جاه‌طلبانه، سودجویانه و توسعه‌خواهانه، میل به جهان‌گرایی داشته، و حتی کوشیده‌اند به آن، در قالب جهانی‌گشایی جامه عمل بپوشانند. بابلیان، ایرانیان، رومیان و... از همین تمدن‌ها، کشورها و آدم‌ها هستند که در پی نیل به حکومت بر جهان و واداشتن همگان به پیروی از ارزش‌های خود بوده‌اند (عبدالحمید، ۱۳۸۰؛ ص ۱۹).

پس از اسلام و... اغلب از دو مکتب مارکسیسم و کاپیتالیسم در جایگاه مدعیان حکومت جهانی نام می‌برند:

مارکسیست‌ها با تقسیم تاریخ به کمون اولیه، برده‌داری، فئودالیسم کاپیتالیسم، مدعی‌اند که بشر با گذر از این مراحل چهارگانه، به مرحله نهایی، یعنی کمونیسم وارد می‌شود که آن، حکومت جهانی با ویژگی‌هایی چون مرام اشتراکی، فقدان دولت و نبود مالکیت است؛ البته آن‌ها پیش از ورود به مرحله آخر تاریخ، مرحله‌ای انتقالی به نام سوسیالیسم را نیز پشت سر می‌گذارند.

سوسیالیسم کمی با کاپیتالیسم و نیز اندکی با کمونیسم شبیه است؛ برای مثال در سوسیالیسم، همانند کاپیتالیسم، دولت و حکومت وجود دارد؛ ولی بر خلاف کاپیتالیسم حکومت در اختیار همه نیست؛ بلکه در حاکمیت کارگران است. اگرچه شکست کمونیسم در دنیای امروز، به معنای غیر قابل وصول یا خیالی بودن حکومت جهانی کمونیستی است، سوسیالیست‌ها معتقدند: به علت ریشه‌دار بودن شعارهای عدالت و مساوات سوسیالیستی در نهاد و فطرت انسان، بشر دوباره به سراغ سوسیالیسم و سپس کمونیسم خواهد آمد! (تاملیسون، ۱۳۸۱؛ ص ۲۸).

کاپیتالیسم یا سرمایه‌داری غرب، یکی دیگر از مدعیان جهانی‌شدن نیز در پی جهان‌گرایی و ایجاد حکومت جهانی است. از زمانی که سرمایه‌داری غرب شکل گرفت (از چهار یا پنج سده پیشین) یا به عقیده والرشتاین، از قرن شانزدهم میلادی، تسلط نظام سرمایه‌داری بر جهان آغاز شد. از اواخر قرن نوزدهم، و به ویژه از اوایل قرن بیستم، سرمایه در کشورهای شمال به مرحله اشباع رسید و انباشت سرمایه، به رکود اقتصادی دامن زد؛ بنابراین، غرب

به صدور سرمایه دست زد تا از این طریق، به بازارهای جدید و جویای سرمایه دست یابد، و هم بحران‌های نهفته در درون خود را به کشورهای توسعه نیافته منتقل کند. این فرآیند، سبب رشد دوباره نظام سرمایه‌داری شد. نتیجه این که جهانی شدن:

اولاً ادامه تحولات کلان تاریخ بشر غربی، یعنی تحوّل انقلاب کشاورزی، صنعتی و اطلاعاتی است؛

ثانیاً تداوم حرکت سرمایه‌داری غرب است؛ ولی پس از پایان جنگ سرد، تهاجمی‌تر شده و رؤیای تسلط بر گیتی را در سر می‌پروراند.

به این علل، جهانی شدن بیش از هر تعریف دیگر، به آن معنا است که سیاست اقتصادی، امنیت غذایی و... باید در حوزه اختیارات تاجران و سرمایه‌گذاران دولت‌های ثروتمند قرار گیرد، و در این روند، حکومت‌ها، نهادهای بین‌المللی و حتی سازمان‌های بین‌المللی نیز اجازه ندارند فعالیت و قدرت آن‌ها را به پرسش گیرند (آکسفورد، ۱۳۷۸: ص ۳۴). با چنین نگرش و عقیده‌ای است که جهانی شدن را کروگمن، ادغام بیش‌تر بازارهای جهانی، مک ایوان، آن را گسترش بین‌المللی مناسبات تولید و مبادله سرمایه سالارانه، بازانسون نیز جهانی شدن را یکپارچگی تجارت با حذف مرزهای تجاری، سرعت در مبادله تکنولوژی و افزایش عمومی در مصرف جهانی می‌داند. طبیعی خواهد بود که در رأس چنین نظامی، امریکا قرار گیرد؛ از این رو، مالکوم واترز می‌گوید:

جهانی شدن نتیجه مستقیم گسترش فرهنگ اروپایی از طریق مهاجرت، استعمار، و تقلید فرهنگی به سراسر کره زمین است. این پدیده، به طور ذاتی از طریق فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی با الگوی توسعه سرمایه‌داری همراه است (آقایی، ۱۳۸۱: ص ۱۰).

روژه گارودی هم در این باره می‌گوید:

جهانی‌سازی، نظامی است که قدرتمندان را با ادعای روابط آزاد و آزادی بازار، قادر می‌سازد تا اصنافی از دیکتاتورهای ضد انسانی را به مستضعفان تحمیل نمایند (همدانی، ۱۳۷۹: ص ۶).

در یک نتیجه‌گیری کلی، رابرتسون، فرایند جهان‌خواهی کاپیتالیسم و ویژگی‌های آن را به این شکل مطرح می‌کند:

۱. **مرحله بدوی:** این مرحله در اروپا و بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۷۵۰ رخ داد. تجزیه

کلیسا، ظهور جوامع دولت‌ملت و استعمار کشورهای ضعیف مشخصه این مرحله است.

۲. **مرحله آغازین:** مرحله آغازین از سال ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ ادامه داشت که بروز مسائل شهروندی، و انعقاد نخستین قراردادهای بین‌المللی از نشانه‌های آن است.
۳. **مرحله پرش:** در مرحله جهش که به سال ۱۸۷۵ تا ۱۹۲۵ برمی‌گردد، بشر شاهد مهاجرت‌ها در سطح گسترده و جنگ‌های بزرگ چون جنگ جهانی اول است.
۴. **مرحله سلطه جویی:** طی سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۹، با بروز جنگ جهانی دوم، تأسیس جامعه ملل و سازمان ملل متحد، آغاز جنگ سرد و افزایش کشورهای جهان، جهانی شدن، روند سریع‌تری به خود گرفته است.
۵. **مرحله فقدان قطعیت:** از سال ۱۹۶۹ به بعد، فعالیت گسترده رسانه‌های گروهی، تشدید جنگ سرد، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های مرگ بارتر سبب شد تا ساکنان کره زمین، اعتماد کم‌تری به سیر و روندی که در جهان طی می‌شد، داشته باشند.
۶. **مرحله جهانی‌سازی:** مرحله جدید با پایان جنگ سرد، فروپاشی شوروی سابق، حمله آمریکا به عراق، و طرح نظم نو جهانی (طرح نظام تک‌قطبی) به رهبری آمریکا آغاز شد. این پدیده، با تحولات گسترده تکنولوژی در زمینه اینترنت، تأسیس سازمان تجارت جهانی و نیز وحدت پولی یازده کشور اروپایی همراه است (بقریان، ۱۳۸۰: ص ۱۵).

جهانی‌شدن و حکومت جهانی اسلام

حاصل و نتیجه مباحث پیشین آن است که جهانی‌سازی در غرب ریشه دارد، و در غرب متولد و بارور شده است. اصول و مبانی فکری و فلسفی آن دقیقاً همان اصول و مبانی غرب است. اندیشه‌وران متعددی نیز بر ارتباط مستقیم بین جهانی‌سازی و غرب و بر پروژه بودن آن تأکید دارند. در رأس پروژه جهانی‌سازی، امریکاست؛ اما به علل گوناگونی صلاحیت رهبری جهانی‌سازی را ندارد. در این صورت، این پرسش پیش می‌آید که اگر امریکا یا مسیحیت دولتی قادر به رهبری عادلانه جهان نیست، چه چیزی این توانایی را دارد؟ پاسخ این سؤال، اسلام است؛ اما آیا جهانی‌سازی اسلام بر اساس آموزه‌های دینی قابل اثبات است؟! این جهانی‌سازی بر چه اصولی استوار، و ویژگی‌ها و ابزارهای آن کدام است؟! در پاسخ به سؤالات مذکور، مباحث ذیل را مرور می‌کنیم:

جهانی شدن در آیات و احادیث: اسلام جهانی تولد یافت؛ مسلمانان برای جهانی کردن اسلام، بسیار کوشیدند؛ شیعیان هم دل به حکومت جهانی حجّت بن الحسن^ع سپرده‌اند. آیات و روایات اسلامی نیز پروسه جهانی شدن اسلام را مورد تأیید و تأکید قرار داده‌اند. از آیات و روایات فراوانی که در جهان مداری اسلام به کار می‌رود، آیات و روایات ذیل، تنوع و کاربرد بیش‌تری دارد.

أ. قرآن: آیاتی از سوره قصص، حجر، توبه، انبیاء و نور به مسأله جهانی شدن اسلام اشاره دارند:

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِي فِرْعَوْنَ وَ هَمَانَ وَ جُنْدَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ (قصص (۲۸): ۵ و ۶).

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم، و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آن‌ها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند، نشان دهیم.

این دو آیه، گرچه به قصه حضرت موسی^ع، فرعون و بنی اسرائیل مربوط است، محتوا و مفهوم آیات، فقط به آن بر نمی‌گردد. آنچه در آن دوره اتفاق افتاد، گوشه و جلوه‌ای از اراده خداوند برای حاکمیت بخشیدن مستضعفان بر مستکبران بود؛ در حالی که اراده خدا در این باره، به طور کامل تحقق نیافته است؛ پس روزی می‌رسد که خداوند، حاکمیت خویش بر زمین را از طریق سپردن آن به دست عابدان صالح تحقق بخشد (جمعی، ۱۳۸۱: ص ۳۲).

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (حجر (۱۵): ۳۶ - ۳۸).
گفت: «پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده [و زنده نگهدار]» فرمود: «تو از مهلت یافتگانی! [اما نه تا روز رستاخیز، بلکه] تا روز و وقت معینی».

بر پایه این آیه، روزی در عمر باقی‌مانده این دنیا می‌رسد که شیطان دیگر بر انسان حاکمیت ندارد. خداوند سبحان با مهلت درخواستی ابلیس تا روز قیامت، موافقت نکرد و تا زمان معینی (تا قبل از برپایی قیامت) به او مهلت داد. با پایان یافتن حاکمیت شیطان بر انسان، جهانی شدن اسلام از سوی بنده صالح خداوند تبارک و تعالی یعنی حجّت بن الحسن^ع آغاز می‌شود (جمعی، همان: ص ۷۲).

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه (۹): ۳۳). او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب کند؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: «سوگند به خدا، هنوز تفسیر این آیه تحقق نیافته است». راوی پرسید: «فدایت شوم، پس چه زمانی تحقق می‌یابد؟» امام فرمود: «وقتی با اراده خدا، قائم قیام کند» (الحویزی، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۰۷)؛ بنابراین، جهانی شدن اسلام و تشکیل حکومت واحد جهانی امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - با به کارگیری علوم و فنون نو به انجام می‌رسد و تداوم آن با تدبیر، تدبیر، دانش و بینش میسر می‌شود.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیا (۲۱): ۱۰۵). در «زبور» بعد از ذکر [= تورات]: «بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد».

«یرثها» جنبه جهانشمولی دارد؛ یعنی همه حاکمان زمین، بندگان صالح خواهند شد. این مطلب در مزامیر داوود، مزمور ۳۷ (فصل ۳۷) به این صورت آمده است:
حلیمان وارث زمین خواهند شد.

زبور در این جا، نه زبور داوود، بلکه به اعتقاد مرحوم طبرسی، مراد مطلق کتاب آسمانی است؛ از این رو، برخی مفسران، آیه پیشین را این گونه ترجمه می‌کنند:
علاوه بر قرآن در زبور هم گفتیم، بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد (جمعی، همان: ص ۱۰۴).

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور (۲۴): ۵۵).

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید، و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت، و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ چنان که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت، و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقند.

آیه، بر این مسأله دلالت دارد که خداوند، جهان را با خاندان رسالت و امامت آغاز کرد، و با آنها نیز به پایان می‌رساند؛ یعنی جهان در آغاز در اختیار شایسته‌ترین بندگان خدا بود،

و در انتها هم در ید قدرت صالحان روی زمین است (جمعی، همان: ص ۳۸). احادیث بسیاری نیز تصریح دارند که حکومت الاهی آینده روی زمین، از سوی فردی از خاندان رسول خدا ﷺ بنا می‌شود. او از فرزندان علی ﷺ و فاطمه ﷺ است، و این خاندان و ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - کلیدهای حکمت و معدنهای رحمت الاهی‌اند.

ب. احادیث: برخی از روایات اسلامی به تفسیر آیات مربوط به جهانی شدن اسلام

پرداخته‌اند؛ از جمله:

روایت نخست

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْ لُهُمْ أَخِي وَآخِرُهُمْ وَوَلَدِي، قَبْلَ يَأْتِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَخُوكَ؟ قَالَ ﷺ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ. قِيلَ: فَمَنْ وَوَلَدُكَ؟ قَالَ ﷺ الْمَهْدِيُّ (عج) يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَوَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ (مجلسی، ۱۳۰۴: ج ۴۷، ص ۷۱).

رسول خدا ﷺ فرمود: جانشینان من و حجّت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند: اول آنان برادرم و آخرشان فرزندم. گفته شد: ای رسول خدا ﷺ، برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی‌طالب ﷺ. سؤال شد: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی که زمین را از قسط و عدل پر سازد، همان‌سان که از ظلم و جور پر شده. قسم به آن که مرا به حق در جایگاه بشارت دهنده و ترساننده برانگیخت، اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد، خدا آن را چنان طولانی سازد تا فرزندم مهدی خروج کند. [پس از خروج] عیسی پسر مریم پشت سرش به نماز ایستد (جمعی، همان: ص ۷۸).

روایت دوم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يَخْرُجُ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وَوَلَدِي اسْمُهُ هَاشِمِي وَكُنْيَتُهُ كَنْبِيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا، فَذَلِكَ الْمَهْدِيُّ (عج) جوزی، ۱۴۰۶: ص ۳۷۷).

رسول خدا ﷺ فرمود: در آخرالزمان مردی از فرزندان من قیام کند که اسم او همانند اسم من و کنیه‌اش مثل کنیه من است، زمین را از عدل پُر سازد، چنان‌که از ظلم پر شده است و او مهدی (عج) است (جمعی، همان: ص ۸۹).

روایت سوم

قال النبي ﷺ: المهدي مني و هو أجلى الجبهة، أفتى الأنف، يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، يملك سبع سنين (الحلی، ۱۴۱۲: ص ۴۳۳).

پیامبر فرمود: مهدی از من است. چهره‌ای نورانی و بینی خمیده‌ای دارد. زمین را از قسط و عدل پرسازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است (جمعی، همان: ص ۹۰).

روایت چهارم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لو لم يبق من الدنيا إلا يومٌ واحدٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذلكَ اليومَ حتَّى يُبْعَثَ رجلٌ مِنِّي و من أهل بيتي، يُواطِئُ إسمُهُ إسمي (الحلی، همان، ص ۴۳۴).

رسول خدا ﷺ فرمود: اگر عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را چنان طولانی کند تا در آن روز مردی از من یا اهل بیتم قیام کند که اسم او اسم من است (جمعی، همان: ص ۹۱).

روایت پنجم

إِنَّ عَلِيًّا ﷺ سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ: أَمِنَا آلَ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيُّ (عج) أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بَلْ مِمَّنَا يَخْتَمُ اللَّهُ بِهِ كَمَا فَتَحَ. عَلِيٌّ ﷺ از پیامبر ﷺ پرسید: آیا مهدی (عج) از ما آل محمد است یا غیر ما است؟ رسول خدا ﷺ فرمود: بلکه از ما است. خداوند به سبب او ختم کند [=کمال بخشد]

چنان که به ما آغاز کرد (جمعی، همان: ص ۹۲).

این احادیث پنجگانه بر پنج نکته مهم تأکید دارند:

اولاً اسلام در صدد گسترش خود در گستره جهان است؛

ثانیاً گسترش جهانی اسلام از سوی امام زمان علیه السلام تحقق می‌یابد؛

ثالثاً حکومت امام زمان ﷺ حکومت جهانی است؛

رابعاً جهانی شدن اسلامی بر پایه عدل و قسط قرار دارد؛

خامساً حکومت جهانی امام زمان علیه السلام عمری طولانی دارد.

مبانی فکری حکومت جهانی اسلام: مبانی فکری و فلسفی تمدن و فرهنگ اسلامی،

رهاورد وحی الاهی، بعثت انبیا و امامت اولیا است که عقل و فطرت اصیل انسانی بر آن

مهر تأیید می‌زند. این مبانی ارکان تمدن اسلامی در چهارده قرن گذشته را ساخته و تداوم

آن، نوید دهنده جهانی شدن تمدن اسلامی است. برخی از مهم‌ترین این مبانی عبارتند از:

فطرت جویی: توحید نخستین شرط تشرّف انسان به اسلام و لازمه ورود به جامعه

جهانی اسلام است؛ از این رو، قرآن با تعبیری چون **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** (صافات (۳۷): ۳۴)،

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (بقره ۲: ۱۶۳)، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (نحل ۱۶: ۲)... اهتمام ویژه خود را بر این اصل ابراز کرده است. یکتاپرستی، نقطه اشتراک همه انسان‌هایی است که در جامعه جهانی اسلام مشارکت می‌ورزند، و آن، فراگیرترین عامل همگرایی اجتماعی انسان‌ها است؛ به همین دلیل، خداوند می‌فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِن كَرِهَ النَّاسُ لِأَيَعْلَمُونَ (روم ۳۰: ۳۰).

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده. دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این آیین استوار است؛ ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند.

سرانجام‌گرایی: عاقبت‌جویی یعنی فرجام‌خواهی و آخرت‌گرایی است که در اندیشه دینی و اسلامی به صورت اعتقاد به معاد یاد می‌شود. تأکید اسلام بر معاد، به منظور تأسیس نظام جهانی است که تا در کنار اعتقاد به مبدأ، بر سرنوشت‌ساز بودن نقش این باور (اعتقاد به معاد) در جهت‌گیری زندگی فردی، جمعی و جهانی آشکار شود؛ زیرا چنین اعتقادی، رفتار اجتماعی را متأثر می‌سازد و آن را تحت کنترل در می‌آورد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (مؤمنون ۲۳: ۱۱۵). آیا چنین پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما باز نمی‌گردید.

عزت انسانی: خداوند انسان را گرامی داشته است:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء ۱۷: ۷۱). ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم.

از نظر دین، انسان موجودی هم مادی و هم رحمانی است؛ از این رو، برنامه جهانی شدن تمدن اسلامی با برنامه جهانی شدن غربی که در پی سلطه بر انسان است، از بنیان تفاوت دارد؛ زیرا اسلام در پی ارج نهادن به انسان‌ها است، و فقط به استقلال آگاهانه و درک آزادانه او از پیام دین می‌اندیشد، و هرگز در صدد تحمیل عقیده بر او نیست.

با توجه به این سه اصل، برنامه‌های جهانی اسلام عبارتند از:

۱. طبقه‌بندی انسان‌ها بر مدار عقیده و ایمان، نه نژاد و خون و...؛

۲. نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری بر اساس قاعده نفی سبیل؛

۳. طرح و اجرای اصول و حقوق مشترک برای همه انسان‌ها، اعم از کافر و مسلمان.

ارکان نظام جهانی اسلام: تحقق اندیشه جهانی شدن اسلام و قوام آن بر پایه مبانی

فکری و فلسفی، منوط به ارکان و ساختاری مناسب است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

حاکمیت الله: حاکمیت بر جهان هستی، فقط از آن خدا است. در واقع، اراده الهی بر

سراسر گیتی حاکم، و ادامه هستی به مدد و فیض او وابسته است. به بیان دیگر، جهان و

تمام ارکان و عناصرش در قدرت همیشگی خداوند قرار دارد، و هم او است که انسان را

بر سرنوشت خویش حاکم کرده، و اداره جامعه بشری را به وی سپرده است؛ یعنی خداوند

سبحان، حاکمیت خویش در تدبیر جامعه را به انسان واگذاشته که آن نیز تجلی اراده خدا

است. حاکمیت خدا بر روی زمین به دست رهبر برگزیده الهی صورت می‌گیرد که خود

او نیز از سوی امت به جایگاه و منصب رهبری دست یافته است. در چنین نظامی،

عقلانیت، معنویت و عدالت، جامعه را به جهانی در مسیر کمال تبدیل می‌کند.

خلیفه الله: مهم‌ترین ویژگی امامت و رهبری در ساختار نظام جهانی اسلام، برگزیده

الاهی بودن است. مولای متقیان، علی بن ابی‌طالب علیه السلام در این باره فرمود:

وَ خَلَفَ فِيكُمْ مَا خَلَفَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَّهَاتِهِمْ، إِذْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا، بغيرِ طَرِيقٍ وَاضِحٍ، وَ لَا عِلْمٍ قَائِمٍ
(نهج البلاغه، خ ۱).

او نیز چون پیامبران امت‌های دیرین برای شما میراثی گذاشت؛ زیرا ایشان امت خود را وانگذاشتند،

مگر به رهنمون راهی روشن و نشانه‌ای معین.

افزون بر این، امامت و رهبری ویژگی‌های دیگری نیز دارد؛ از جمله، مرکز وحدت و

یکپارچگی، زعامت معنوی و سیاسی، اساس و پایه فعالیت بشر، هسته مرکزی نظم

اجتماعی، مشروعیت بیعت مردمی، اسوه فردی و گروهی.

همچنین، رهبری و امامت در نظام جهانی اسلام، محور و قطب عقیدتی به شمار

می‌رود، همان‌گونه که علی علیه السلام فرمود:

أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ وَ أَنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّيَّ مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى، يَنْحَدِرُ عَنِّي
السَّيْلُ، وَ لَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ (نهج البلاغه، خ ۳).

آگاه باشید. به خدا سوگند که فلان [=ابابکر] خلافت را چون جامه‌ای بر تن کرد، و به قطع

می‌دانست که جایگاه من در حکومت اسلامی آنان چونان محور برای آسیاب است.

ملت واحد: انسان‌ها در نظام جهانی اسلام، در دوران بلوغ و شکوفایی عقلی و معنوی قرار دارند، و به مرحله‌ی والای تعالی رسیده، و بالفعل دارای ارزش‌های واقعی انسانی‌اند. جامعه‌ی جهانی اسلامی، جامعه‌ای همگون و متکامل است، و در آن، استعدادها و ارزش‌های انسانی شکوفا می‌شود؛ نیازهای اساسی فطری برآورده می‌شود؛ از همه‌ی ابزارها برای تحقق صلح و عدالت بهره می‌گیرند و به این علل است که خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (مؤمنون: ۲۳): ۵۲.

و این امت شما، امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم؛ پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید.

قانون واحد: حدیث ثقلین، گویای آن است که راز دستیابی به سعادت دنیایی و آخرتی، پیروی و اقتدا به قانون خوب (کتاب الله) و مجری خوب (اهل بیتی) است. اگر چه، جامعه‌ی بشری به نقصان قانون دچار بوده، رنج فقدان مجریان صالح، همواره، عمیق‌تر بوده است. در تهیه‌ی قانونی که در جامعه‌ی جهانی اسلام حاکمیت می‌یابد، عقل که قادر به ترسیم حدود و تعیین همه‌ی جنبه‌ی مسائل انسان نیست، دخالتی ندارد. این قانون، قانون شرع است که خداوند آگاه به همه‌ی نیازهای انسانی آن را فرو فرستاده است؛ از این رو، همه‌ی جنبه‌ی است و به طور کامل با فطرت انسان‌ها سازگاری دارد. در دوره‌ی تحقق حکومت جهانی اسلام، قانون تمام و کمال (کامل) اسلام یا درحقیقت، نظام حقوقی اسلام اجرا می‌شود که همه در برابر آن یکسانند، و برای هر شخصی به اندازه توان و استعداد، حقوقی و وظایفی تعیین شده است.

ویژگی‌های حکومت جهانی اسلام: ویژگی‌های نظام جهانی اسلام یا مختصات جهانی شدن اسلامی، با هیچ نظام دیگر قابل مقایسه نیست. در این نظام، جهانی بر پایه‌ی معنویت، عقلانیت، انسانیت، عدالت، امنیت، و... شکل می‌گیرد؛ از این رو، جامعه‌ای کامل و متعالی است. اکنون برخی از این ویژگی‌ها را مرور می‌کنیم:

عدل و عدالت: عدالت در نظام جهانی اسلام، فراگیر، گسترده و عمیق است و به این جهت، جهانی شدن اسلامی، به تاریخ سراسر ظلم و جور جهان پایان می‌دهد؛ به ریشه‌کنی ستم‌ها و تبعیض‌ها از جامعه‌ی بشری می‌پردازد، و نظام اجتماعی، بر پایه مساوات و برابری مستقر می‌کند. احادیث بسیاری به این موضوع (عدالت در جامعه‌ی جهانی اسلام) پرداخته‌اند. مانند: ابوسعید خدری (از محدثان اهل سنت) از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سُكَّانُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا. فَقَالَ رَجُلٌ مَا مَعْنَى صِحَاحًا؟ قَالَ: بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَيَمَلَأُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَنِيٌّ وَ يَسْعَهُمْ عَدْلُهُ.

... شما را به ظهور مهدی بشارت می‌دهم که زمین را پُر از عدالت می‌کند؛ همان‌گونه که از جور و ستم پر شده است. ساکنان آسمان‌ها و زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را به طور صحیح تقسیم می‌کند. کسی پرسید: معنای تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به طور مساوی میان مردم؛ [سپس فرمود:] و دل‌های پیروان محمد را از بی‌نیازی پر می‌کند و عدالتش همه را فرا می‌گیرد (الشیانجی، ۱۴۰۵: ص ۲۰۰).

علی عقبه از پدرش چنین نقل می‌کند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، حَكَّمَ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ الْجَوْرُ فِي أَيَّامِهِ، وَامْتَنَتْ بِهِ السُّبُلُ، وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَرَدُّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ... وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لَصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغَنِيِّ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ.

هنگامی که قائم قیام کند، بر اساس عدالت حکم می‌کند، و ظلم و جور در دوران او برچیده، و راه‌ها در پرتو وجودش امن و امان می‌شود، و زمین برکاتش را خارج می‌سازد، و هر حقی به صاحبش می‌رسد... و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز خواهند شد (الکلبایگانی، ۱۳۷۲: ص ۱۷۰).

در روایتی دیگر آمده است:

يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.

خداوند به وسیله او [= حضرت مهدی علیه السلام] زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آن

که از جور و ستم پر شده باشد (طبرسی، بی‌تا: ص ۹۸).

رشد و پیشرفت: اطلاعات و صنعت در دوره حکومت جهانی امام عصر علیه السلام به درجه آخر تکامل خود می‌رسد. به بیان دیگر، در این دوران، هم توسعه علمی و هم توسعه اقتصادی به صورت همه‌جانبه اتفاق می‌افتد؛ از این رو، تمام علوم برای دستیابی به حداکثر پیشرفت و تولیدات به کار می‌افتد. احادیثی بر این موضوع اشاره دارند. از جمله:

امام صادق علیه السلام فرمود:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمَعَ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يُبَيِّنَ سَبْعَةَ وَ عِشْرُونَ حَرْفًا.

دانش ۲۷ حرف [= ۲۷ شعبه و شاخه] است. تمام آن چه پیامبران الهی برای مردم آورده‌اند،

دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند؛ اما هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف [= شعبه و شاخه علم] دیگر را آشکار، در میان مردم منتشر می‌سازد، و این دو حرف موجود را هم به آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف، کامل و منتشر شود (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۳۶).

در حدیثی دیگر آمده است:

أَنَّهُ يُبَلِّغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَ تَطَهَّرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يَعْمُرُهُ.

حکومت او، مشرق و مغرب جهان را فراخواهد گرفت و گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌شود و در سراسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند، مگر آن را آباد خواهد ساخت (الصبان، ۱۳۹۸: ص ۱۴۰).

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ.

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان گذارد و خرده‌های آنان را گرد آورد و رشدشان را تکمیل کند (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۲۸).

عشق و معنویت: معنویت در حکومت جهانی آخرالزمان در حد اعلا است. در روایتی آمده است:

رَجَالٌ لَا يَتَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبْتَئُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ.

مردانی که شب‌ها نمی‌خوابند، در نمازشان چنان اهتمام و تضرعی دارند که انگار زنبوران عسل در کندو وزوز می‌کنند. شب را با نگرانی دادن پیرامون خود به صبح می‌رسانند (مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۰۷).

صلح و امنیت: در حکومت آرمانی، امنیت شرط توسعه و لازمه پرداختن به معنویت

است. در حدیث می‌خوانیم:

حَتَّى تَمُشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لِاتَّضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سُبْعٌ وَ

لَا تَخَافُهُ. راه‌ها [امن می‌شود چندان که] زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی

گیاه نگذارد. جواهراتش را بر سرش بگذارد؛ هیچ درنده‌ای او را به هیجان و ترس نیفکند و

او نیز از هیچ درنده‌ای نترسد (الگلپایگانی، همان، ص ۴۷۴).

رضا و رضایت: حکومت جهانی اسلام، «یرضی بخلافته السماوات و الارض» است؛ یعنی

آسمان و زمین، توأمأ اظهار رضایت و خشنودی می‌کنند، و حکومتی است که «یجبه اهل

السماوات و الارض: سماواتیان از آن خوششان می‌آید و آن را دوست دارند؛ حکومتی که نتیجه

و برکات آن برای همه، حتی مردگان، گشایش است (ری شهری، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۱۷۸).

نعمت و برکت: خدا به واسطه صالحانی که حکومت جهانی را در دست دارند، برکت

را بر آنان ارزانی می‌کند. در حدیث می‌خوانیم:

يَتَمَسَّحُونَ بِسُرْجِ الْإِمَامِ تَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبُرْكَهَ يُحْفُونَ بِهِ.

به زین اسب امام دست می‌سایند تا برکت یابند (ری شهری، همان، ص ۱۸۸).

فرمانبری و اطاعت: اطاعت از امام زمان ع در حکومت جهانی‌اش، خالص و کامل

است. در حدیث آمده است:

و يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَ يَكُونُهُ مَا يُرِيدُ مِنْهُمْ.

با جانشان امام را در جنگ‌ها یاری می‌کنند و هر دستوری بدیشان بدهد، انجامش می‌دهند

(ری شهری، همان: ص ۱۷۸).

ابزارهای تأسیس حکومت جهانی اسلام: نظام جهانی اسلام، برای تحقق خود، نخست

به اصل دعوت و هدایت عمومی و سپس در مواجهه با انسان‌های لجوج به جهاد فی سبیل

الله متکی است؛ زیرا:

۱. اصل دعوت و هدایت اسلامی: قرآن در این باره می‌فرماید:

ما أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا (سبأ (۳۴): ۲۸). ما تو را جز برای بشارت و بیم دادن همه مردم نفرستادیم. قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا (اعراف (۷): ۱۵۸). بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.

همچنین، پیامبر گرامی اسلام ص رسالت خود را دعوت و هدایت تمام مردم دانست و فرمود:

...فَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً لِّأَنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَ يَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (میانجی، بی‌تا: ص ۹۰). من پیامبر خدا برای تمام بشر هستم. وظیفه دارم زنده‌ها را انذار و هشدار دهم و فرمان عذاب بر کافران مسلّم شود.

دعوت و هدایت اسلامی بر پایه صلح و دوستی قرار دارد؛ زیرا همان‌گونه که راغب

اصفهانی در مفردات می‌نویسد:

الصُّلْحُ تَخْتَصُّ بِإِزَالَةِ النَّفَارِ بَيْنَ النَّاسِ.

صلح به زدودن کدورت از میان مردم اختصاص دارد و به زدودن آن کمک می‌کند.

خداوند سبحان هم به پیامبر دستور می‌دهد که چنانچه دشمن تو از در مسالمت وارد

شد، تو نیز با آن موافقت کن:

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا (انفال (۸): ۶۱).

اگر به صلح گرایش نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی.

۲. اصل جهاد و دفاع اسلامی: اگر دعوت اسلامی مؤثر نیفتاد، و انسان‌های لجوج به مقابله با اسلام برخاستند یا افرادی که دعوت را پذیرفتند، با خطر مواجه شدند، اسلام بر جهاد یا دفاع تأکید می‌ورزد. به آیاتی در این باره توجه کنید:

اول، يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوِيَهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (توبه (۹): ۷۳).
ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است، و چه بد سرنوشتی دارند!

دوم، وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَ لَاتَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره (۲): ۱۹).
و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد!

سوم، وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ اخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ اخْرَجْتُمْهُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَاتُقْتَلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقْتَلُوا فِيهِ فَإِنْ قَتَلْتُمْ فَأَقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (بقره (۲): ۱۹۱).
و آنها را [= بت پرستانی که از هیچ‌گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون کردند [= مکه]، بیرونشان کنید! و فتنه [و بت پرستی] از کشتار هم بدتر است! و با آنها، نزد مسجدالحرام [در منطقه حرم] بجنگید! مگر این که آن جا با شما نجنگند؛ پس اگر (آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید چنین است جزای کافران!

منابع و مأخذ

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. آکسفورد، باری، نظام جهانی: سیاست و فرهنگ، حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸ ش.
۴. ابن جوزی، سبط، تذکرة الخواص الامة، بیروت، مؤسسه اهل بیت، ۱۳۰۶ ق.
۵. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، بیروت، دارالمهاجر، بی تا.
۶. الاسدی الربعی الحلی، یحیی بن حسن، العمده، قم، مؤسسه امام الصادق، ۱۴۱۲ ق.
۷. الشیخ الشیانجی، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، بیروت، الدار العالیة، ۱۴۰۵ ق.

۸. العروسی الحویزی، علی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، قم، علمیه، بی تا، ج ۳.
۹. الصبان، محمد بن علی، اسهاف الراغبین، بیروت، مؤسسه بیروت، ۱۳۹۸ق.
۱۰. الصافی الکلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، تهران، مکتبه الصدر، بی تا.
۱۱. ایرانزاده، سلیمان، جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان، تهران، مرکز آموزشی دولتی، ۱۳۸۰ش.
۱۲. پیشگاهی فرد، زهرا، نگرش ژئوپلیتیکی بر پدیده جهانی شدن، تهران، دافوس، ۱۳۸۱ش.
۱۳. تاملیسون، جان، جهانی شدن و فرهنگ، محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱ش.
۱۴. جمعی از سخنرانان، گفتمان مهدویت (گفتمان اول و دوم)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه وفا، ۱۳۰۴ق، ج ۴۵ و ۵۲.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۴۱۶ق، ج ۱.
۱۷. نش، کیت، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، محمدتقی دل‌فروز، تهران، کویر، ۱۳۸۰ش.
۱۸. واترز، مالکوم، جهانی شدن، اسماعیل مردانی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹ش.
۱۹. آقای، مهدی، «ضرورت همکاری‌های منطقه‌ای در فرآیند جهانی شدن»، پگاه حوزه، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره ۴۶.
۲۰. اسکلد، لسل، «تعریف واحدی از جهانی شدن وجود ندارد»، داوود کیانی، جام جم، ۳ مهر ۱۳۸۰.
۲۱. اثنا عشری، حسین، «چگونه به جهانی می‌اندیشیم»، رسالت، ۶ اردیبهشت ۱۳۸۰.
۲۲. بقریان، آلبرت، «پیامدهای جهانی شدن، یک رویکرد آماری»، توسعه مدیریت، آبان ۱۳۸۰، شماره ۳۱.
۲۳. پولادی، کمال، «جهانی شدن یا آمریکایی شدن»، ایران، ۲۹ بهمن ۱۳۸۰.
۲۴. پهلوان، چنگیز، «جهانی شدن به چه معنا است؟»، کلک، تیر ۱۳۷۵، شماره ۵۳.
۲۵. حسینی، عباس، «چگونه جهانی شویم»، تدبیر، تیر ۱۳۸۰، شماره ۱۱۳.
۲۶. سلیمان، نبیل، «تکوین جهانی»، یوسف بنی طرف، همشهری، ۸ آبان ۱۳۸۰.
۲۷. سیورامونت، ایگنا و فریدمن، توماس، «درباره جهانی شدن»، علی ایوان‌دری، جام جم، ۷ مرداد ۱۳۸۰.
۲۸. عبدالحمید، محسن، «جهانی شدن از منظر اسلامی»، شاکرلوئی، پگاه حوزه، ۱۵ دی ۱۳۸۰، شماره ۳۴.

۲۹. قره‌باغیان، مرتضی، «گفت و گو در باره جهانی شدن»، اقتصاد اسلامی، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۴.
۳۰. نصیری، قدیر، «در چستی جهانی شدن»، مطالعات راهبردی، پاییز ۱۳۸۰، شماره ۳.
۳۱. همدانی، احمد، «جهانی شدن پدیده‌ای تاریخی است»، ابرار، ۲۷ مرداد ۱۳۷۹.
۳۲. راسل، برتراند، جهانی که من می‌شناسم، روح‌الله عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵ش.
۳۳. سوئیزی، پل و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف، ناصر زرافشان، تهران، آگاه، ۱۳۸۰ش.
۳۴. فوکویاما، فرانسیس، پایان نظم، غلام‌عباس توسلی، تهران، جهان امروز، ۱۳۷۹ش.
۳۵. فونتن، آندره، یکی بدون دیگری؟ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، فاخته، ۱۳۶۹ش.
۳۶. کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات، علی قلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰ش، ج ۱.
۳۷. کیسینجر، هنری، دیپلماسی، فاطمه سلطانی یکتا و علیرضا امینی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۹ش، ج ۲.
۳۸. کیل، ژیل، اراده خدا، یهودیان، مسیحیان در راه تسخیر دوباره جهان، عباس آگاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۳۹. گیدنز، آنتونی، جهان رها شده، علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، علم و ادب، ۱۳۷۹ش.
۴۰. لاتوش، سرژ، غربی‌سازی جهان، امیررضایی، تهران، قصیده، ۱۳۷۹ش.
۴۱. لوین، اندرو، طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی، سعید زیباکلام، تهران، سمت، ۱۳۸۰ش.
۴۲. والرشتاین، امانوئل، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، پیروز ایزدی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷ش.
۴۳. وود، اندرو، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹ش.
۴۳. هاروی، دیوید، جهانی شدن جدید سرمایه‌داری و جهان سوم، وحید کیوان، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۶ش.
۴۴. هانتینگتون، ساموئل پی، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، محمدعلی رفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸ش.
۴۵. المیلاد، زکی، «اندیشه اسلامی و مقوله جهانی شدن»، مجتبی عطازاده، آفتاب یزد، ۱۴ آذر ۱۳۷۹ش.
۴۶. بهداروند، محمدمهدی، «جهانی شدن، عوامل و پیامدها با رویکردی به اندیشه امام خمینی»، جمهوری اسلامی، ۱۵ تیر ۱۳۸۱.

۴۷. تقوی پور، حمید، «جهانی شدن»، نامه فرهنگ، شماره ۲.
۴۸. دهشیار، حسین، «جهانی شدن: تکامل فرایند بُرن بَری ارزش‌های نهادهای غربی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۷۹، شماره ۱۵۸ و ۱۵۷.
۴۹. سخنرانی سیدمحمدکاظم سجادی در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، تحت عنوان مخاطرات و فرصت‌های جهانی شدن، مندرج در روزنامه ایران، ۲۰ و ۱۹ و ۱۸ خرداد ۱۳۸۱.
۵۰. فالک، ریچارد، «ادیان توحیدی در عصر جهانی شدن»، عبدالرحیم مرودشتی، گوناگون، شماره ۵ و ۴.
۵۱. فراهانی، محسن، «جهانی شدن به اختیار یا به اجبار»، جام‌جم، ۱ مرداد ۱۳۸۱.
۵۲. فوکویاما، فرانسیس، «اسلام و جهانی مدرن»، سعید کوشا، آفتاب، فروردین ۱۳۸۱، شماره ۲۱.
۵۳. کرث، جمیز، «مذهب و جهانی شدن»، حمید بشیریه، دانشگاه در آئینه مطبوعات، ۱۲ اسفند ۱۳۸۰، شماره ۵.
۵۴. گفت و گو با پروفسور مولانا و دکتر عاملی، «بررسی ابعاد فرهنگی سیاسی جهانی شدن و پیامدهای آن»، تیر ۱۳۸۱، شماره ۵۵.
۵۵. گفت و گو با عماد افروغ، «برخی ادیان خواستار جهانی شدن هستند»، آفتاب یزد، ۱۸ دی ۱۳۷۹.
۵۶. محمد، ماهاتیر، «دنیای اسلام و جهانی سازی و سده بیست و یکم»، همشهری، ۲ آبان ۱۳۸۱.
۵۷. «میزگرد بررسی آثار جهانی شدن بر گزینه‌های استراتژیک ایران»، راهبرد، زمستان ۱۳۷۹.
۵۸. وایت، بریان و لتیل، ریچارد، اسمیت، میشل، «دین و جهانی شدن»، منیژه جلالی، همشهری، ۲۰ فروردین ۱۳۸۱.
۵۹. یزدان‌پناه، کیومرث، «جهانی شدن، عوامل و پیامدها»، همشهری، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۱.
60. File: // D : New 20% Folder \ persioian 20% Article 2. htm.
61. Mcgrew AnthonycedI, the travsfo: *Natin of Democracy: Globalization and Territorial Democracy*, Combridge: polity press 1992.
62. http: // WWW. etehade fedqian. org / kar 96/526 htm
۶۳. واعظ، حسام‌الدین، (استاد دانشگاه لیدز انگلستان)، «جهانی شدن جهان اسلام و سیاست‌های جهانی»، منبع اینترنت.